

نسرین اصلانی

بامقدمه دکتر زهره زرشناس

اندرزنامه نویسی در ایران باستان



- اندرزنامه نویسی
- در ایران باستان -

دکتر نسرين اصلانی

بامقدمه دکتر زهره زرشناس

اندرزنامه نویسی در ایران باستان



اصلائی، نسرین، ۱۳۶۲ -	سرشناسه
اندرزنامه‌نویسی در ایران باستان/ نسرین اصلائی؛ با مقدمه زهره زرشناس.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۸.	مشخصات نشر
۴۳۵ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۶-۶۸-۰	شابک
اندرزنامه‌های ایرانی- Maxims, Iranian *	موضوع
اندرزنامه‌های ایرانی -- ترجمه شده به فارسی	موضوع
Maxims, Iranian -- Translations into Persian *	موضوع
اندرزنامه‌های فارسی باستان- Maxims, Old Persian	موضوع
اندرزنامه‌های اوستایی- Maxims, Avestan	موضوع
اندرزنامه‌های فارسی میانه- Maxims, Middle Persian	موضوع
اندرزنامه‌های مانوی- Maxims, Manichaen	موضوع
اندرزنامه‌های سغدی- Maxims, Sogdian	موضوع
ادبیات ایرانی -- پیش از اسلام- Iranian literature -- To 633	موضوع
ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام -- مطالب گونه‌گون	موضوع
Iran -- History -- To 633 -- Miscellanea	موضوع
زرشناس، زهره، ۱۳۳۰ - ، مقدمه‌نویس	شناسه افزوده
۱۳۹۷ الف ۸ الف ۶ PIR	رده بندی کنگره
۹/۳۹۸ ف	رده بندی دیویی
۵۴۰۸۹۵۷	شماره کتابشناسی ملی



اندرزنامه‌نویسی در ایران باستان

مولف: دکتر نسرین اصلائی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۶۹۰۰۰ تومان

طراح و گرافیک: پرویز بیانی

چاپ: هوران

آماده‌سازی و تولید: انتشارات اندیشه احسان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

دفتر نشر: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۲، واحد ۵۰۷

تلفن: ۰۲۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۰۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲ - سایت: www.andishehehsan.com

فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۰۷



andishe_ehsan



sociologybookstore - ۰۲۶۶۴۶۶۰۰۱ - تلفن:

سپاسگزاری

در آغاز از استاد ارجمندم، سرکار خانم دکتر زهره زرشناس که افتخار راهنمایی این پژوهش و نگارش مقدمه این اثر را به من دادند؛ بی نهایت سپاسگزارم.

و نیز از دیگر استادان بزرگوام جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی، سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار، جناب آقای دکتر محمدتقی راشد محصل، سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی، سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور، جناب آقای دکتر محمدمهدی اسماعیلی، جناب آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، جناب آقای دکتر مجتبی منشی زاده، سرکار خانم دکتر الیزابت سهراب و زنده یاد دکتر صغری دربندی که روشنگر راهم بودند و زبان و فرهنگ ایران باستان را به من آموختند؛ سپاسگزارم.

همچنین بر خود واجب می دانم از لطف و شکیبایی همسرم سپاسگزاری نمایم که در تمامی مراحل این پژوهش، همواره یاریگرم بوده است.

در پایان از مدیریت محترم انتشارات اندیشه احسان، جناب آقای برجی و دیگر عوامل اجرایی آن مجموعه که امکان چاپ این اثر را فراهم نمودند و سرکار خانم رویا حسینی که زحمت صفحه آرایی این کتاب را برعهده داشتند؛ صمیمانه تشکر می نمایم.

فهرست

.....	سخن استاد	۲۱
.....	مقدمه نگارنده	۲۵
.....	پیشینه اندرزنامه‌نویسی	۲۶
.....	واژه اندرز و معنای آن	۲۷
.....	سنت اندرزگویی	۳۲
.....	ادبیات اندرزی	۳۳
.....	اندرزهای کهن ایرانی	۳۵
.....	اندرزهای دوره باستان	۳۵
.....	الف) اندرزهای هخامنشیان	۳۶
.....	ب) اندرزهای اوستا	۳۷
.....	اندرزهای دوره میانه	۳۹
.....	الف) اندرزهای فارسی میانه (پهلوی)	۳۹
.....	ب) اندرزهای مانوی	۴۱
.....	ج) اندرزهای سغدی	۴۱

بخش اول: اوضاع کلی ایران باستان در سه دوره باستانی هخامنشی، اشکانی و ساسانی.....	۴۳
--	----

فصل اول: هخامنشیان.....	۴۷
اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران در عصر هخامنشی	۴۸
اوضاع اقتصادی در عصر هخامنشی.....	۵۴
ساختار ملوک الطوایفی در ایران عصر هخامنشی.....	۵۷
دین هخامنشیان.....	۵۹
آیین زردشت	۶۷
زبان، خط و ادبیات	۷۰
فارسی باستان	۷۱
اوستا	۷۳

فصل دوم: سلوکیان و اشکانیان.....	۷۷
سلوکیان	۷۷
اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران در عصر سلوکی.....	۷۸
اوضاع اقتصادی	۸۱
دین سلوکیان	۸۱
زبان، خط و ادبیات	۸۲
اشکانیان	۸۳
اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران در عصر اشکانی.....	۸۶
اوضاع اقتصادی.....	۸۹
دین اشکانیان	۹۰
زبان، خط و ادبیات	۹۲

فصل سوم: ساسانیان.....	۹۵
آغاز سلسله	۹۵
اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران در عصر ساسانی.....	۹۶
اوضاع اقتصادی	۱۰۷
دین ساسانیان.....	۱۰۹

۱۱۳.....	ادیان روزگار ساسانی
۱۱۳.....	الف) زردشتی‌گری
۱۱۶.....	ب) مسیحیت
۱۱۷.....	ج) مانویت
۱۲۴.....	د) آیین مزدک
۱۲۸.....	تعالیم و دستورات مزدک
۱۲۹.....	زبان، خط و ادبیات
۱۳۰.....	دیران در عهد ساسانی
۱۳۱.....	فارسی میانه
۱۳۴.....	مانوی
۱۳۸.....	سغدی
۱۳۸.....	الف) پیشینه جغرافیایی و تاریخی سرزمین سغد
۱۴۰.....	ب) زبان، خط و ادبیات سغدی
۱۴۹.....	ب) آثار غیر دینی
۱۵۰.....	پایان کار ساسانیان
۱۵۱.....	بخش دوم: متون اندرزی
۱۵۳.....	فصل اول: متون اندرزی در دوره باستان
۱۵۳.....	فارسی باستان
۱۵۴.....	آوانویسی متون
۱۵۴.....	الف) اندرزهای دینی
۱۵۴.....	۱- پرستش اهورامزدا و احترام به خواست او
۱۵۶.....	۲- راستی، راست‌گویی و ترک نکردن راه راست
۱۵۷.....	۳- پرهیز از دروغ و دروغ‌زنی
۱۵۸.....	۴- بشارت به دوستی و یاری اهورامزدا برای راستگویان و مجازات او برای دروغگویان
۱۶۰.....	ب- اندرزها در باب حکمت عملی و تجربی
۱۶۰.....	۱- توصیه پادشاه به جانشینان خود در امور کشورداری مانند محافظت از دودمان نیک مردان و پارسیان

- ۲- احترام به قانون و اجرای آن..... ۱۶۱
- ۳- نگاهداری از نوشته‌ها و پیام‌های شاهان هخامنشی و انتقال صحیح آن به دیگران و آیندگان..... ۱۶۲
- ترجمه متون..... ۱۶۴
- الف) اندرزهای دینی..... ۱۶۴
- ۱- پرستش اهورامزدا و احترام به خواست او..... ۱۶۴
- ۲- راستی، راست گویی و ترک نکردن راه راست..... ۱۶۶
- ۳- پرهیز از دروغ و دروغ‌زنی..... ۱۶۶
- ۴- بشارت به دوستی و یاری اهورامزدا برای راستگويان و مجازات او برای دروغگويان..... ۱۶۷
- ب) اندرزها در باب حکمت عملی و تجربی..... ۱۶۸
- ۱- توصیه پادشاه به جانشینان خود در امور کشورداری مانند محافظت از دودمان نیک مردان و پارسیان..... ۱۶۸
- ۲- احترام به قانون و اجرای آن..... ۱۶۹
- ۳- نگاهداری از نوشته‌ها و پیام‌های شاهان هخامنشی و انتقال صحیح آن به دیگران و آیندگان..... ۱۷۰
- اوستایی..... ۱۷۱
- آوانویسی متون..... ۱۷۱
- گاهان..... ۱۷۱
- الف) اندرزهای دینی..... ۱۷۱
- ۱- ستایش اهورامزدا و اطاعت از فرمان و آموزه‌های او..... ۱۷۱
- ۲- دعوت به راستی و پرهیزکاری، پرهیز از دروغ و دروندان..... ۱۷۳
- ۳- تلاش برای جلب رضایت اهورامزدا و زردشت و برآوردن کام ایشان..... ۱۷۶
- ۴- بازداشتن دروج از پیشرفت و گسترش..... ۱۷۷
- ب) اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۱۷۷
- ۱- انتخاب راستی و راه راست (اشه)..... ۱۷۷
- ۲- گزینش صحیح‌ترین از راه اندیشه..... ۱۷۸
- ۳- اندیشیدن درباره تمام امور و عمل براساس اندیشه..... ۱۷۹
- ۴- پیشی گرفتن از یکدیگر در راه راستی و اندیشه نیک..... ۱۸۰

- ۵- نیکی کردن به درستکاران و بدی به دروندان..... ۱۸۰
- ۶- پرهیز از معاشرت با دروندان و پیمان شکنان..... ۱۸۱
- ۷- تلاش برای برانداختن خشم و ستم..... ۱۸۱
- ۸- برگزیدن شهریاران نیک و ممانعت از حکمرانی شهریاران بد..... ۱۸۲
- ۹- آموزش از راه سخن..... ۱۸۲
- اوستای غیرگاهانی (متاخر)..... ۱۸۳
- الف) اندرزهای دینی..... ۱۸۳
- ۱- نیایش برای اهورامزدا..... ۱۸۳
- ۲- ستایش اشه (راستی)..... ۱۸۴
- ۳- ستایش ایزدان..... ۱۸۶
- ۴- توصیه به انجام امور دینی..... ۱۸۷
- ۵- ستایش اندیشه، گفتار و کردار نیک و نکوهش اندیشه، گفتار و کردار بد و توبه کردن از آن..... ۱۸۷
- ب) اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۱۸۸
- ۱- درست کرداری و خواستار بهترین راستی بودن..... ۱۸۸
- ۲- برگزیدن و انجام کارهای نیک برای هر دو هستی و آموزش آن به دیگران..... ۱۸۸
- ۳- انتخاب راه راستی در زندگی و انجام امور دنیوی با نیک‌اندیشی، نیک‌کرداری و نیک‌گفتاری..... ۱۸۹
- ۴- تلاش برای خشنودی پرهیزکاران..... ۱۸۹
- ترجمه متون..... ۱۹۰
- گاهان..... ۱۹۰
- الف) اندرزهای دینی..... ۱۹۰
- ۱- ستایش اهورامزدا و اطاعت از فرمان و آموزه‌های او..... ۱۹۰
- ۲- دعوت به راستی و پرهیزکاری و پرهیز از دروغ و دروندان..... ۱۹۲
- ۳- تلاش برای جلب رضایت اهورامزدا و زردشت و برآوردن کام ایشان..... ۱۹۴
- ۴- بازداشتن دروغ از پیشرفت و گسترش..... ۱۹۵
- ب) اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۱۹۵
- ۱- انتخاب راستی و راه راست (اشه)..... ۱۹۵

- ۲- گزینش صحیح‌ترین از راه اندیشه..... ۱۹۷
- ۳- اندیشیدن درباره تمام امور و عمل بر اساس اندیشه..... ۱۹۷
- ۴- پیشی گرفتن از یکدیگر در راه راستی و اندیشه نیک..... ۱۹۸
- ۵- نیکی کردن به درستکاران و بدی به دروندان..... ۱۹۸
- ۶- پرهیز از معاشرت با دروندان و پیمان شکنان..... ۱۹۹
- ۷- تلاش برای برانداختن خشم و ستم..... ۱۹۹
- ۸- برگزیدن شهریان نیک و ممانعت از حکمرانی شهریان بد..... ۲۰۰
- ۹- آموزش از راه سخن..... ۲۰۰
- اوستای غیرگاهانی..... ۲۰۱
- الف) اندرزهای دینی..... ۲۰۱
- ۱- نیایش برای اهورامزدا..... ۲۰۱
- ۲- ستایش اشه (راستی)..... ۲۰۲
- ۳- ستایش ایزدان..... ۲۰۴
- ۴- توصیه به انجام امور دینی..... ۲۰۵
- ۵- ستایش اندیشه، گفتار و کردار نیک و نکوهش اندیشه، گفتار و کردار بد و توبه کردن از آن..... ۲۰۵
- ب) اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۲۰۷
- ۱- درست کرداری و خواستار بهترین راستی بودن..... ۲۰۷
- ۲- برگزیدن و انجام کارهای نیک برای هر دو هستی و آموزش آن به دیگران..... ۲۰۷
- ۳- انتخاب راستی در زندگی و انجام امور دنیوی با نیک اندیشی، نیک کرداری و نیک گفتاری..... ۲۰۸
- ۴- تلاش برای خشنودی پرهیزکاران..... ۲۰۸
- فصل دوم: متون اندرزی در دوره میانه..... ۲۰۹**
- فارسی میانه..... ۲۰۹**
- آوانویسی متون..... ۲۱۰**
- الف) اندرزهای دینی..... ۲۱۰
- ۱- یزش و ستایش دادار اورمزد، امشاسپندان و دیگر ایزدان مینویی، بی گمانی نسبت به آنان و تلاش برای جلب خشنودی آنان و نیایش بر دین مزدیسنايي..... ۲۱۰

- ۲- معرفی و دعوت به پذیرش دین بهی، اقرار به دین و تلاش برای رواج آن..... ۲۱۵
- ۳- مراقبت از روان..... ۲۱۶
- ۴- داشتن ایمان راستین و انجام کار نیک و ثواب و دعوت به آن..... ۲۱۸
- ۵- اعتقاد به امور آخرت، بهشت و دوزخ و تن پسین..... ۲۲۰
- ۶- کرفه اندیشی، کرفه اندوزی و انجام اعمالی برای افزودن کرفه و محاسبه روزانه کرفه و گناه..... ۲۲۱
- ۷- پرهیز از دروغ، حسد، پیمان شکنی، سخن چینی و دیگر گناهان..... ۲۲۴
- ۸- دعوت به توبه..... ۲۲۸
- ۹- توصیه به انجام خویدوده (ازدواج با نزدیکان)..... ۲۲۹
- ۱۰- جنگیدن با دروج و نابودی آن..... ۲۳۰
- ۱۱- اجرای صحیح قواعد دینی در گیتی، دعوت به انجام آیین‌ها و آموختن آن از دین مردان..... ۲۳۰
- ب) اندرزهایی در باب حکمت عملی و زندگی تجربی..... ۲۳۴
- بخش اول: اندرزها در باب حکمت عملی و تجربی با رویکرد دینی..... ۲۳۴
- ۱- راست گفتاری و راست کرداری، رادی و کامل اندیشی و تلاش برای بدست آوردن منش نیک..... ۲۳۴
- ۲- توصیه به شکیبایی و توکل..... ۲۳۷
- ۳- تلاش برای رستگاری..... ۲۳۷
- ۴- یادآوری گذرانی دنیا و رسیدگی به امور مینویی بیش از امور گیتی..... ۲۳۸
- ۵- داشتن خرد، فضیلت (هنرمندی) و فرهنگ..... ۲۴۰
- ۶- قانون مندی..... ۲۴۳
- ۷- دعوت به میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط..... ۲۴۴
- ۸- خرسند و راضی بودن در امور..... ۲۴۵
- بخش دوم- اندرزها در باب حکمت عملی و زندگی تجربی..... ۲۴۷
- ۱- توصیه به آموختن، دانش اندوزی، اندیشه، دانایی و پرهیز از دُر آگاهی..... ۲۴۷
- ۲- کوشش در تمام امور گیتی..... ۲۴۸
- ۳- احترام به بزرگان، پدر و مادر و آزار ندادن ایشان..... ۲۴۹
- ۴- هم نشینی و دوستی با دانایان و فرزندانگان و پرهیز از هم نشینی با بدان..... ۲۵۰

- ۵- اندرز در باب مشورت و آداب آن..... ۲۵۲
- ۶- معرفی اندرزگونه آداب سخن‌وری..... ۲۵۳
- ۷- ترغیب به ازدواج و داشتن فرزند پارسا و گزیدن برادر نیک‌نام..... ۲۵۵
- ۸- توصیه به مهمان‌نوازی..... ۲۵۶
- ۹- دعوت به آشتی و پرهیز از خشم و کینه..... ۲۵۷
- ۱۰- پرهیز از سرزنش یا ستایش بیهوده مردمان و ریشخند کردن..... ۲۵۸
- ۱۱- پرهیز از پرخوری..... ۲۵۹
- ۱۲- اندرز درباره انتخاب دوست و دشمن..... ۲۵۹
- ۱۳- معرفی نیکی و بدی در امور گیتی..... ۲۶۰
- ۱۴- معرفی دانایان و نادانان (بدآگاهان)..... ۲۶۱
- ج) اندرزهای کلی در باب مسایل دینی و حکمت عملی و تجربی..... ۲۶۲
- د) نمونه کلی از اندرز در باب حکمت عملی و تجربی..... ۲۶۶
- ذ) عبارات اندرزی کوتاه درباره حکمت عملی و تجربی..... ۲۶۸
- ۱- پرهیز از درویشی..... ۲۶۸
- ۲- شرم نداشتن از بیماری و خویشاوند درویش..... ۲۶۸
- ۳- تلاش برای به دست آوردن شادی و کرفه..... ۲۶۸
- ۴- خیرخواهی و پرهیز از بدخواهی برای دیگران..... ۲۶۸
- ۵- عدم اعتماد کامل به دیگران..... ۲۶۹
- ۶- تلاش برای نیک‌نامی و پرهیز از بدنامی..... ۲۶۹
- ۷- پرهیز از غرور و خودستایی..... ۲۶۹
- ۸- سپاسگزاری در امور..... ۲۷۰
- ۹- سحرخیزی..... ۲۷۰
- ۱۰- پرهیز از مال‌اندوزی..... ۲۷۰
- ۱۱- بی‌اعتنایی به قدرت و ثروت..... ۲۷۱
- ۱۲- تلاش برای انجام ثواب‌های بزرگ..... ۲۷۱
- ۱۳- دورکردن خست از جهان و شرایط آن..... ۲۷۱
- ۱۴- دور کردن ترس و بیم از جهان و شرایط آن..... ۲۷۱
- ۱۵- مراقبت مردم از خوی و سرشت خود..... ۲۷۲

۱۶-	پرهیز از خوردن گوشت گاو، گوسفند و مردار.....	۲۷۲
	ترجمه متون	۲۷۳
	الف) اندرزهای دینی.....	۲۷۳
۱-	یزش و ستایش دادار اورمزد، امشاسپندان و دیگر ایزدان مینوی، بی گمانی نسبت به آنان و تلاش برای جلب خشنودی آنان و نیایش بر دین مزدیسنايي.....	۲۷۳
۲-	معرفی و دعوت به پذیرش دین بهی و اقرار به دین و تلاش برای رواج آن.....	۲۷۷
۳-	مراقبت از روان.....	۲۷۸
۴-	داشتن ایمان راستین و انجام کار نیک و ثواب و دعوت به آن.....	۲۷۹
۵-	اعتقاد به امور آخرت، بهشت و دوزخ و تن پسین.....	۲۸۱
۶-	کرفه اندیشی، کرفه اندوزی و انجام اعمالی برای افزودن کرفه و محاسبه روزانه کرفه و گناه.....	۲۸۳
۷-	پرهیز از دروغ، حسد، پیمان شکنی و سخن چینی و دیگر گناهان.....	۲۸۵
۸-	دعوت به توبه.....	۲۸۷
۹-	توصیه به انجام خریدوده (ازدواج با نزدیکان).....	۲۸۸
۱۰-	جنگیدن با دروج و نابودی آن.....	۲۸۹
۱۱-	اجرای صحیح قواعد دینی در گیتی و دعوت به انجام آیین‌ها و آموختن آن از دین مردان.....	۲۸۹
	ب) اندرزهایی در باب حکمت عملی و زندگی تجربی	۲۹۲
	بخش اول: اندرزها در باب حکمت عملی و تجربی با رویکرد دینی.....	۲۹۲
۱-	راست گفتاری و راست کرداری، رادی و کامل اندیشی و تلاش برای بدست آوردن منش نیک.....	۲۹۲
۲-	توصیه به شکیبایی و توکل.....	۲۹۴
۳-	تلاش برای رستگاری.....	۲۹۵
۴-	یادآوری گذرانی دنیا و رسیدگی به امور مینوی بیش از امور گیتی.....	۲۹۶
۵-	داشتن خرد، فضیلت (هنرمندی) و فرهنگ.....	۲۹۸
۶-	قانون مندی.....	۳۰۰
۷-	دعوت به میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط.....	۳۰۱
۸-	خرسند و راضی بودن در امور.....	۳۰۲

- بخش دوم- اندرزها در باب حکمت عملی و زندگی تجربی ۳۰۳
- ۱- توصیه به آموختن، دانش اندوزی، اندیشه، دانایی و پرهیز از دژ آگاهی ۳۰۳
 - ۲- کوشش در تمام امور زندگی ۳۰۴
 - ۳- احترام به بزرگان و پدر و مادر و آزار ندادن ایشان ۳۰۴
 - ۴- هم نشینی و دوستی با دانایان و فرزائگان و پرهیز از هم نشینی با بدان ۳۰۵
 - ۵- اندرز در باب مشورت و آداب آن ۳۰۶
 - ۶- معرفی اندرز گونه آداب سخن وری ۳۰۷
 - ۷- ترغیب به ازدواج و داشتن فرزند پارسا و گزیدن برادر نیک نام ۳۰۹
 - ۸- توصیه به مهمان نوازی ۳۰۹
 - ۹- دعوت به آشتی و پرهیز از خشم و کینه ۳۱۰
 - ۱۰- پرهیز از سرزنش و ستایش بیهوده مردمان و ریشخند کردن ۳۱۰
 - ۱۱- پرهیز از پرخوری ۳۱۱
 - ۱۲- اندرز درباره انتخاب دوست و دشمن ۳۱۲
 - ۱۳- معرفی نیکی و بدی در امور گیتی ۳۱۲
 - ۱۴- معرفی دانایان و نادانان (بدآگاهان) ۳۱۳
- ج- اندرزهای کلی در باب مسائل دینی و حکمت عملی و تجربی ۳۱۴
- د) نمونه کلی از اندرزهای حکمت عملی و تجربی ۳۱۸
- ذ) عبارات اندرزی کوتاه درباره حکمت عملی و تجربی ۳۱۹
- ۱- پرهیز از درویشی ۳۱۹
 - ۲- شرم نداشتن از بیماری و خویشاوند درویش ۳۱۹
 - ۳- تلاش برای بدست آوردن شادی و کرفه ۳۱۹
 - ۴- خیرخواهی و پرهیز از بدخواهی برای دیگران ۳۱۹
 - ۵- عدم اعتماد کامل به دیگران ۳۲۰
 - ۶- تلاش برای نیک نامی و پرهیز از بدنامی ۳۲۰
 - ۷- پرهیز از غرور و خودستایی ۳۲۰
 - ۸- سپاس گزاری در امور ۳۲۰
 - ۹- سحر خیزی ۳۲۰
 - ۱۰- پرهیز از مال اندوزی ۳۲۰

- ۱۱- بی اعتنایی به قدرت و ثروت..... ۳۲۱
- ۱۲- تلاش برای انجام ثواب‌های بزرگ..... ۳۲۱
- ۱۳- دور کردن خست از جهان و شرایط آن..... ۳۲۱
- ۱۴- دور کردن ترس و بیم از جهان و شرایط آن..... ۳۲۲
- ۱۵- مراقبت از خوی و سرشت خود..... ۳۲۲
- ۱۶- پرهیز از خوردن گوشت گوسفند، گاو و مردار..... ۳۲۲
- متون مانوی..... ۳۲۳
- الف) اندرزهای دینی..... ۳۲۳
- حرف نویسی..... ۳۲۳
- ۱- ستایش ایزدان..... ۳۲۳
- ۲- یاد کردن از بهشت و دوزخ و راه‌های ورود به آن..... ۳۲۴
- ۳- پرهیز از بت‌پرستی..... ۳۲۵
- ۴- دعوت به انجام کرفه و افزودن آن..... ۳۲۵
- ۵- اعتراف به گناهان و دعوت به توبه..... ۳۲۷
- ۶- یادآوری ناپایداری جهان مادی و ویرانی آن..... ۳۲۷
- ۷- پالایش نفس و دعوت به رستگاری..... ۳۲۹
- ۸- گسترش دین مانی و پذیرش آموزه‌های او..... ۳۳۰
- ۹- دعوت به راستی و پرهیز از دروغ..... ۳۳۱
- آوانویسی..... ۳۳۲
- ۱- ستایش ایزدان..... ۳۳۲
- ۲- یاد کردن از بهشت و دوزخ و راه‌های ورود به آن..... ۳۳۲
- ۳- پرهیز از بت‌پرستی..... ۳۳۳
- ۴- دعوت به انجام کرفه و افزودن آن..... ۳۳۳
- ۵- اعتراف به گناهان و دعوت به توبه..... ۳۳۵
- ۶- یادآوری ناپایداری جهان مادی و ویرانی آن..... ۳۳۵
- ۷- پالایش نفس و دعوت به رستگاری..... ۳۳۷
- ۸- گسترش دین مانی و پذیرش آموزه‌های او..... ۳۳۸
- ۹- دعوت به راستی و پرهیز از دروغ..... ۳۳۹

۳۴۰	ترجمه متون
۳۴۰	۱- ستایش ایزدان
۳۴۱	۲- یاد کردن از بهشت و دوزخ و راه‌های ورود به آن
۳۴۲	۳- پرهیز از بت‌پرستی
۳۴۳	۴- دعوت به انجام کرفه و افزودن آن
۳۴۵	۵- اعتراف به گناهان و دعوت به توبه
۳۴۵	۶- یادآوری ناپایداری جهان مادی و ویرانی آن
۳۴۸	۷- پالایش نفس و دعوت به رستگاری
۳۵۱	۸- گسترش دین مانی و پذیرش آموزه‌های او
۳۵۲	۹- دعوت به راستی و پرهیز از دروغ
۳۵۲	ب) اندرز در باب حکمت عملی و تجربی
۳۵۲	حرف‌نویسی
۳۵۲	۱- خردورزی و برتری دانش (دانایی) بر همه چیز
۳۵۳	۲- توصیه به آموختن
۳۵۴	۳- دوستی و یاری پارسایان
۳۵۴	۴- پرهیز از شکار حیوانات، خوردن گوشت و نوشیدن شراب
۳۵۵	آوانویسی
۳۵۵	۱- خردورزی و برتری دانش (دانایی) بر همه چیز
۳۵۵	۲- توصیه به آموختن
۳۵۶	۳- دوستی و یاری پارسایان
۳۵۶	۴- پرهیز از شکار حیوانات، خوردن گوشت و نوشیدن شراب
۳۵۸	ترجمه متون
۳۵۸	۱- خردورزی و برتری دانش (دانایی) بر همه چیز
۳۵۹	۲- توصیه به آموختن
۳۵۹	۳- دوستی و یاری پارسایان
۳۶۰	۴- پرهیز از شکار، خوردن گوشت حیوانات و نوشیدن شراب
۳۶۱	سغدی
۳۶۱	الف) اندرزهای دینی

حرف نویسی.....	۳۶۱
۱- پذیرش دین.....	۳۶۱
۲- مراقبت از روان.....	۳۶۲
۳- دعوت به پارسایی.....	۳۶۳
۵- پرهیز از دروغ.....	۳۶۶
آوانویسی.....	۳۶۶
۱- پذیرش دین.....	۳۶۶
۲- مراقبت از روان.....	۳۶۷
۳- دعوت به پارسایی.....	۳۶۸
۴- دعوت به اندیشه نیک، نیک‌کرداری و دانایی و پرهیز از نادانی.....	۳۶۸
۵- پرهیز از دروغ.....	۳۷۰
ترجمه متون.....	۳۷۱
۱- پذیرش دین.....	۳۷۱
۲- مراقبت از روان.....	۳۷۲
۳- دعوت به پارسایی.....	۳۷۴
۴- دعوت به اندیشه نیک، نیک‌کرداری، دانایی و پرهیز از نادانی.....	۳۷۴
۵- پرهیز از دروغ.....	۳۷۸
ب) اندرز در باب حکمت عملی و تجربی.....	۳۷۸
حرف نویسی.....	۳۷۸
۱- احترام به بزرگان، پدر و مادر و آموزگار.....	۳۷۸
۲- توصیه به حفاظت از جانداران و آزار ندادن ایشان.....	۳۸۰
۳- پرهیز از نوشیدن شراب و خوردن گوشت و شهوت‌رانی.....	۳۸۱
۴- پرهیز از تهمت، دزدی، غرور، تحقیر و پرداختن به امور دنیوی.....	۳۸۴
۵- معرفی آداب غذا خوردن، پرهیز از پرخوری و روزه‌خواری.....	۳۸۶
۶- دعوت به فروتنی، شکیبایی و نصیحت‌پذیری.....	۳۸۷
۷- پرهیز از مال‌دوستی.....	۳۸۹
۸- توصیه به تک‌همسری.....	۳۹۱
۹- توصیه به حفاظت از مکان‌های مذهبی.....	۳۹۱

- آوانویسی ۳۹۲
- ۱- احترام به بزرگان، پدر و مادر و آموزگار..... ۳۹۲
- ۲- توصیه به حفاظت از جانداران و آزار ندادن ایشان..... ۳۹۳
- ۳- پرهیز از نوشیدن شراب، خوردن گوشت و شهوت‌رانی..... ۳۹۴
- ۴- پرهیز از تهمت، دزدی، غرور، تحقیر و پرداختن به امور دنیوی..... ۳۹۶
- ۵- معرفی آداب غذا خوردن، پرهیز از پرخوری و روزه‌خواری..... ۳۹۹
- ۶- دعوت به فروتنی، شکیبایی و نصیحت‌پذیری..... ۳۹۹
- ۷- پرهیز از مال‌دوستی..... ۴۰۱
- ۸- توصیه به تک همسری..... ۴۰۳
- ۹- توصیه به حفاظت از مکان‌های مذهبی..... ۴۰۳
- ترجمه متون ۴۰۳
- ۱- احترام به بزرگان، پدر، مادر و آموزگار..... ۴۰۳
- ۲- توصیه به حفاظت از جانداران و آزار ندادن ایشان..... ۴۰۴
- ۳- پرهیز از نوشیدن شراب، خوردن گوشت و شهوت‌رانی..... ۴۰۶
- ۴- پرهیز از تهمت، دزدی، غرور، تحقیر و پرداختن به امور دنیوی..... ۴۰۹
- ۵- معرفی اندرزگونه آداب صحیح غذا خوردن، پرهیز از پرخوری و روزه‌خواری..... ۴۱۱
- ۶- دعوت به فروتنی، شکیبایی و نصیحت‌پذیری..... ۴۱۲
- ۷- پرهیز از مال دوستی..... ۴۱۵
- ۸- توصیه به تک همسری..... ۴۱۶
- ۹- توصیه به حفاظت از مکان‌های مذهبی..... ۴۱۶
- سخن پایانی..... ۴۱۷
- منابع ۴۲۷
- منابع فارسی ۴۲۷
- منابع لاتین..... ۴۳۵

سخن استاد

"قدیم چون فهم شود و جدید شود، دیگر آن نیست که بود"

(کنفوسیوس)

با نگاهی به تاریخ ایران و حضور آریایی‌ها و با تشکیل حکومت‌های سیاسی می‌توان دریافت که اندرزنامه‌نویسی دارای تاریخی به قدمت تشکیل حکومت‌های سیاسی یا حتی آغاز اختراع خط بوده‌است. چنان که در کتیبه‌های شاهان هخامنشی عبارات و جملات اندرزی، گاهی مستقیم و در بسیاری موارد غیرمستقیم به چشم می‌خورد. همچنین تمامی نصایح دینی و حتی عملی و تجربی که در گوشه گوشه اوستا آمده است؛ نشان از اهمیت اندرز و اندرزنامه‌نویسی در کتاب دینی زردشتیان دارد. در دوران اشکانیان نیز این سنت کماکان ادامه داشته و در زمان ساسانیان و به خصوص در دوره انوشیروان به اوج خود رسیده است. حجم گسترده خدای نامه‌ها، آیین نامه‌ها و اندرزنامه‌های بسیاری که از این دوران برجای مانده شاهدهی گویا بر این مدعاست. این نوشته‌ها بیشتر حاوی مطالبی در ستایش خردورزی، دانش اندوزی، پرهیزکاری و پرهیز از صفات ناپسندی چون پیمان شکنی، غرور و

نظایر آن و نیز ناسپاسی خداوند است و به عنوان حکمت عملی و تجربی از آن‌ها می‌توان یاد کرد.

اندرز به معنای وصیت، توصیه، موعظه، پند و نصیحت است و اندرزنامه‌ها در زمره ادبیات شفاهی به شمار می‌آیند که با تغییراتی از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌اند. از این‌رو تعیین مولف و تاریخ تالیف برای این آثار کاری دشوار و تقریباً محال است. اجرای درست آداب و رسوم دینی، شیوه مملکت‌داری، راستگویی و درست‌کرداری و در نهایت روش‌های درست زندگی از جمله مضامین اندرزنامه‌هایند. اندرزا در اصل باید‌ها و نباید‌هایی هستند که ریشه در تجارب پیشینیان دارند و از جهت ساختار ظاهری به تعالیم دینی بسیار شبیه‌اند. اندرزنامه‌ها از لحاظ دستوری اغلب دارای سبکی روان و ساده با جملاتی کوتاه و روشن هستند و گاه اگر ابهام زبانی در این متن‌ها دیده می‌شود؛ معمولاً عامداً و به منظور جلب توجه بیشتر خواننده به مفهوم پند ایجاد شده است.

آثار اندرزی را به لحاظ موضوعی به دو دسته دینی و حکمت عملی - تجربی می‌توان تقسیم کرد و بیشتر اندرزا معمولاً در یکی از این دو دسته جای می‌گیرند.

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه دکتری سرکار خانم نسرین اصلانی، به راهنمایی اینجانب است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای - اسنادی و در دو بخش گردآوری شده است. در بخش نخست به اوضاع کلی ایران در سه دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی و در پنج حوزه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و دینی پرداخته شده و بر این اساس، ادبیات هر دوره، مشتمل بر دو دوره زبانی باستان و میانه، نیز مورد مطالعه قرار گرفته است.

در بخش دوم با عنوان متون اندرزی، ابتدا جملات، عبارات و اصطلاحات اندرزی هر دوره از میان تمامی متن‌های برجای مانده از این دو دوره زبانی، نظیر کتیبه‌های فارسی باستان، کتاب مقدس اوستا و متن‌های فارسی میانه استخراج شده و ذیل دو فصل اندرزه‌های دینی و اندرزه‌های حکمت عملی و تجربی در این بخش گنجانده شده است. سپس با بهره‌گیری از واژه‌نامه‌های مرتبط با زبان‌های فارسی باستان، اوستا در دوره باستان و واژه‌نامه‌های فارسی میانه، مانوی و سغدی در دوره میانه؛ آوانویسی و ترجمه متن‌ها صورت گرفته است.

در پایان کتاب نیز به یافته‌های این پژوهش اشاره شده است که حکایت از عمق پژوهش و تلاش ارزنده پژوهشگر جوان آن برای ارایه اثری روشمند و علمی دارد. برای مثال تاثیر مستقیم اوضاع اجتماعی و مذهبی هردوره بر مضمون اندرزه‌های آن دوره و نیز سبک نگارش خاص آن دوره با نگاهی ژرف، دقیق و علمی مورد بررسی قرار گرفته است که راهگشای پژوهشگران این حوزه خواهد بود.

با آرزوی توفیق روزافزون برای تمامی پژوهشگران حوزه دانشی مطالعات ایرانی، به‌ویژه پدید آورنده این پژوهش سودمند که قطره قطره در طی زمان، دریای مطالعات ایرانی و شناخت ایران را وسعت و ژرفا می‌بخشند.

"قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره و دریا دریاست"

دکتر زهره زرشناس

تهران، مهرماه ۱۳۹۷

مقدمه نگارنده

هان ای پسر عزیز دل‌بند بشنو ز پدر نصیحتی چند
زین گفته سعادت تو جویم پس یاد بگیر هرآن‌چه گویم
(ایرج میرزا)

ایرانیان باستان علاقه فراوانی به سخنان حکمت‌آمیز، ادب و مضامین اخلاقی داشتند. حجم قابل توجهی از اسطوره‌ها، آموزه‌ها و آیین‌های کهن ایرانی در زمینه‌های اندرزی و تربیتی بوده است و هدف از آن‌ها هم تصفیه روح، تزکیه نفس، حسن رفتار و کردار و آگاهی از آیین سخن‌گویی، مردم‌داری و راه و رسم معاشرت و به خصوص معاشرت با بزرگان و پادشاهان بوده است.

خرد و خرد ورزی مقوله ایست که در بیشتر ادیان و مکاتب به جایگاه رفیع آن اشاره شده و از اهمیت آن سخن رفته است و بازتاب آن را می‌توان در آثار نویسندگان و شعرای این مرز و بوم به کرات یافت. در میان متون کهن باز مانده از زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه، به

جایگاه خرد و ارزش و اعتبار آن در نزد آدمی و نقش آن در نظام آفرینش اشاره شده است و نمونه‌های بی بدیلی از معارف مزدیسنايي و ادبیات دوره میانه به موضوع خرد و اندیشه پرداخته‌اند.

اندرزنامه‌ها در ایران پیش از اسلام در زمره ابزارهای حفظ و اصلاح نظام اجتماعی به شمار می‌آیند به طور مثال می‌توان تذکراتی درباره نحوه رفتار با نزدیک ترین بستگان تا شیوه فرمانبرداری از بزرگان و شاهان را یافت. به زبانی دیگر، اندرزنامه‌ها عنوان رساله‌هایی مشتمل بر حکمت و پند و اندرز و دستورهای اخلاقی، دینی و سیاسی هستند.

پیشینه اندرزنامه‌نویسی

پیشینه اندرزنامه‌نویسی در ایران به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد و مطالعه متون و ادبیات ایران باستان از زمان مآدها تا پایان اشکانیان که پایه و اساس حکمت و ادب در عصر ساسانی شد؛ گواهی بر این پیشینه است. زیرا که در روزگار ساسانیان، اندرزها در مصداق‌های بهتری به صورت دستورالعمل‌های اخلاقی و رفتاری در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی درآمد و از طریق سخنان حکمت گونه و پندآمیز در نوشته‌ها انعکاس یافت و با تالیف آثار بسیاری از جمله کتاب‌ها و پندنامه‌های منسوب به بزرگان و شخصیت‌های سیاسی به اوج خود رسید.

از مطالعه یک پند اندرزی علاوه بر دریافت ماهیت پند گونه آن می‌توان به اطلاعات تاریخی بسیاری از جمله محل زندگی مولف، مخاطبان مولف و موقعیتی که اندرز در آن آفریده شده دست یافت.

اگر چه یک متن اندرزگونه هیچ گاه به هدف ادبی و استفاده از فنون و آرایه‌های ادبی آفریده نمی‌شود ولی گاهی به صورت ناآگاهانه حاوی این آرایه‌هاست از آن جمله می‌توان به استفاده از تمثیل، شعر و معما در برخی از این متون اشاره کرد.

اندرزها همیشه حاوی مطالب اخلاقی نیستند بلکه گاهی بیشتر از آن که به جنبه اخلاقی اشاره کنند به شیوه عمل مانند مهارت‌های شغلی و رفتار حرفه‌ای توصیه می‌کنند. در واقع گاهی اندرز فقط می‌کوشد تا روش‌های تسهیل در عمل و کردار و ادب و نزاکت را آموزش دهد. بنابراین آثار اندرزگونه را می‌توان از لحاظ موضوعی به دو دسته دینی و عملی - تجربی تقسیم کرد که غالب اندرزها در یکی از این دو دسته جای می‌گیرند.

واژه اندرز و معنای آن

«واژه اندرز، handarz در زبان فارسی میانه مشتق از صورت ایرانی باستان ham-darza به معنای اتفاق، با هم و محکم کردن است و به نظر با ham- darēzā اوستایی به معنی بند و زنجیر یکی است» (حسن دوست ۱۳۸۳، ۱۳۳: ۱).

مکنزی^۱ در فرهنگ زبان پهلوی اندرز را به معنی «وصیت، توصیه، اندرز و حکم» می‌داند (مکنزی ۱۳۸۳، ۸۶).

در دانشنامه زبان و ادب فارسی، واژه اندرز با همان معنی اندرز و به معنی وصیت به کار رفته است.

برهان قاطع نیز این معنی را آورده است: «اندرز معنی پند و نصیحت و حکایت و وصیت باشد و به معنی کتاب و نوشته به نظر آمده است» (خلف تبریزی ۱۳۵۷، ۱۷۰).

در کل اندرز به عنوان واژه‌ای است که بیشتر اشخاص برجسته مانند شاهان و موبدان از آن برای نصیحت و اندرز به پسرانشان یا به مردمان دنیا، برای اداره امور کشورشان به کار می‌برند.

«در زبان پهلوی واژه‌های دیگری نزدیک به این مفهوم، āfrāh و čāštag است. این هر دو واژه بیشتر معنای آموزش و آموزه دینی دارد به ویژه چاشتگ که معمولا در محدوده فقهی به کار می‌رود و در ضمن این‌که معنای اندرز و آموزش هم از آن بر می‌آید» (مزدآپور ۱۳۸۶، ۱۲).

«در فارسی میانه زردشتی (پهلوی)، واژه فرهنگ نیز به معنی اندرز به کار رفته است و مترادف آن، پند نیز گفته‌اند: خیز ای پسر من، تا تو را فرهنگ برآموزم (اندرز آذرباد مهراسپندان، بند ۱). واژه اندرز به معنای دانش آموختن، تربیت کردن و دانش نیز هست» (مزدآپور ۱۳۸۶، ۱۰) و در زبان پهلوی پند را راه نیز ترجمه کرده‌اند که در فارسی، وصیت اراده شده است و در کتاب مادیان هزار دادستان که کتاب حقوقی دوران ساسانی است با همین معنی به کار رفته است.

در فارسی مانوی و سغدی واژه آزند به معنی داستان‌های تمثیلی برای دادن اندرز و پند آمده است.

«در دوران پس از اسلام جز اندرز و پند، واژه‌های دیگر مانند نصیحت، وصیت، وصایا، موعظه، مواعظ و نیز حکمت مطلق و دانش

همین معنی را می‌رساند. دو اصطلاح داستان زدن و اندازه گرفتن نیز برای نقل قول اندرز و دادن سرمشق و عبرت گرفتن به کار می‌رفته است (مزدا پور ۱۳۸۶، ۱۳).

تواز کار کیخسرو اندازه گیر کهن گشته کار جهان تازه گیر

(فردوسی ۱۹۶۵، ۲۲۴: ۴)

اندرز را به طور کل می‌توان مترادف با پند و نصیحت گرفت و در زمان فارسی کنونی نیز معانی مذکور به طور یکسان به جای یکدیگر به کار می‌روند و می‌توان اندرز را کاملاً در ارتباط با فرزائگی یا حکمت دانست و از این روست که آن‌ها را به حکما و اهل خرد منسوب می‌کردند. اندرزها اصولاً از سوی فردی حکیم به همه افراد جامعه (اندرز برای عوام) و گاه به شخص اول جامعه یعنی پادشاه و یا گروهی خاص (اندرز برای خواص) خطاب می‌شد. و در واقع شکل متقاعدکننده بیانات اخلاقی هستند زیرا مخاطب را به اندیشیدن به ویژه به نتایج اعمال فرا می‌خوانند. اندرز، مخاطب را به گوش دادن به ندای تجارب بهترین انسان‌ها یعنی فرزائگان و خردمندان دعوت می‌کند. «اندرز به سبب درونمایه آموزشی خود رو به آینده دارد» (دوفوشه کور^۱ ۱۳۷۷، ۱۸). «اندرزنامه، صورت اولیه کتاب‌های اخلاقی در زبان فارسی است». نزدیک‌ترین ادبیات حکمی به اندرزنامه‌های فارسی، آثار مکتوب پهلوی

است که زمان نگارش این آثار متاخر است و ریشه این نوشته‌های پهلوی به جهان باستان ایران زردشتی می‌رسد» (دوفوشه کور ۱۳۷۷، ۱۸).

اندرزهای کهن ایرانی از سادگی برخوردارند و به تعبیر دوفوشه کور این ویژگی نباید قضاوت منفی را برانگیزاند و ضعف تالیف آن‌ها تلقی شود. «سادگی ضامن یقینی است که اندرزها باید به ارمغان بیاورند و بدیهی بودن آن‌ها کلیدی است برای ورود به جهان اخلاق که در آن می‌توان تضادها و کشمکش‌ها را از میان برداشت» (دوفوشه کور ۱۳۷۷، ۲۳).

اندرز در ایران امروز به معنی گفته نغز و کوتاهی است که تجربه و رهاورد آزمون سخت و مهمی را در راه زیستن و آزمون گیتی به اختصار بیان می‌دارد و غرض از این گفتن و نوشتن، آموختن است و هشدار دادن؛ با این امید که سودمند افتد. سر پیچی کردن از اندرز ضرورتاً به معنای دست یازیدن به گناه نیست و موجب کیفر قانونی نمی‌شود گرچه ناممکن نیست. گاهی اندرز ارتباطی با اخلاق ندارد و بیشتر به نزاکت در رفتار یا حتی رموز و فنون مشاغل و مناصب باز می‌گردد. در واقع اندرز پرهیز از گناه و دوری جستن از ارتکاب جرم و آموختن آداب و رسوم پسندیده اجتماعی است و رفتارهای فردی و شیوه درست عمل و رفتار درست را می‌آموزد ضمن اینکه به یآوری در اندیشه و گرفتن تصمیم درست هم می‌شتابد و شاید هم مصلحت فرد را منظور دارد و هم به صلاح جامعه فرمان می‌دهد. به عبارت دیگر نه تنها هر آنچه به مصلحت فرد و صلاح گروه و جامعه حکم می‌کند در حیطه اندرز و پند می‌گنجد بلکه طنز و

شوخی و نیز مثل و کلمات قصار و نظایر این‌ها نیز گاهی با اندرز و نوشته‌ها و گفتارهای اندرزین یکتا می‌شوند.

در نتیجه اندرز را می‌توان حاصل اندیشه و تجربه‌های فرهنگی یک ملت در دوره‌ای طولانی دانست که سینه به سینه و نسل به نسل انتقال یافته و غنی‌تر گشته است. بنابراین ادبیات اندرزی را در زمره ادبیات شفاهی به شمار آورده‌اند که تعیین مولف و زمان تالیف آن کاری مشکل و گاه محال است و شاید به همین دلیل باشد که اندرزنامه‌های پهلوی را اغلب به دانایان، آموزگاران نخستین دین (پوریوتکیشان) و موبدان نسبت داده‌اند بی آن که نام فردی خاص در میان باشد: مانند اندرز پوریوتکیشان، اندرز دستوران به به‌دینان، مینوی خرد و در زبان پهلوی افراد خاصی که گاه اندرزنامه‌های پهلوی به آنان منسوب است معمولاً شاه، وزیر یا یکی از موبدان‌اند که در دوره زندگی خود شخصیتی مورد احترام بوده‌اند مانند خسرو قبادان، بزرگمهر، آذریاد مهراسپندان و ... که به عنوان گوینده برخی سخنان حکیمانه یاد شده‌اند. از طرفی می‌توان تنها راه منسوب نمودن متون اندرزی به مولفان را ارجاع دادن آن‌ها به مولفانی دانست که نامشان در خود متن‌ها آمده‌است.

از لحاظ شکل ظاهری اندرزها به ضرب‌المثل و کلمات قصار شبیهند یعنی جملاتی کوتاه که حکمتی را در بر دارند اما اندرز از جهاتی با مثل و کلمات قصار متفاوت است از جمله این‌که پشتوانه ضرب‌المثل داستان یا حکایتی است که در زمان معلوم یا نامعلومی اتفاق افتاده است اما

پشتوانه اندرز، تجربه و دانش است. در کلمات قصار کوبندگی و ایجاز بالایی وجود دارد که در اندرزها دیده نمی‌شود.

با وجود این تفاوت‌ها ممکن است این سه عنوان (اندرز- کلمات قصار- ضرب‌المثل) به جای یکدیگر به کار روند و یا این‌که اندرز در طول زمان حالت ضرب‌المثل یافته باشد.

«در آثار اندرزی دوران میانه بسیاری از طرزهای بیان و شکل‌های ظاهری اندرزهای دوران جدید به چشم می‌خورد: آوردن اندرز در ضمن سخن گفتن از مطالبی دیگر، مفاهیمی که اندرز و پند را القا می‌کند مانند ستودگی، رادی و راستی، آوردن شرح احوال بزرگان که نمونه عالی رفتار و اخلاق بوده‌اند برای دادن نمونه و مثال اندرزوار، آوردن قصه و داستان برای راهنمایی و تفهیم پند و اندرز و نیز توسل جستن به نماد و تمثیل رمزگونه در بیان اندرز را هم در ایران کهن و هم در دوران پس از اسلام می‌توان بازیافت» (مزدپور ۱۳۸۶، ۱۵). تعداد بسیاری از اندرزها در سده‌های آغازین دوره اسلامی به عربی ترجمه شده‌اند و از آن جا که اصل پهلوی بخش بزرگی از آن‌ها از میان رفته است؛ آثار باقی مانده به زبان عربی بسیار با ارزشند. بخشی از این اندرزها نیز مانند اندرز بزرگمهر دوباره به ادب فارسی راه یافته‌اند و برخی مستقیم از منبع پهلوی و برخی با واسطه به نظم فارسی در آمده‌اند.

سنت اندرز‌گویی

«اندرز‌گویی، سنت اندرزنامه‌نویسی و نوشتن اندرز را در پی دارد. نوشته‌های اندرزی گاهی مستقیم است و ساده، گاهی نیز به صورت

غیرمستقیم به گفتن اندرز مبادرت می‌ورزد. اندرز نامستقیم در ضمن نوشته‌ها و گفته‌های دیگر می‌آید و بسا که با نقل حکایت و داستان و ذکر صفات نیک و بد بزرگان یا بدتران یا به شکل مثل بیان می‌شود. بسیاری از سخنان اندرزی به بزرگان انتساب دارد و چنین انتسابی گاهی فقط برای افزودن بر تاثیر آن است. سنت نگاشتن اندرز در ایران کهن، گونه ادبی خاصی را پدید آورده است» (مزداپور ۱۳۸۶، ۱۱).

«هر اندرز مبتنی بر هنجارهای اجتماعی، چکیده و فشرده‌ای است از آداب، رسوم و وجوه مختلف حیات جامعه و تفکر قومی. بنابراین، برداشت و جهان‌بینی فرهنگ‌های بشری را در هر جا در بردارد» (مزداپور ۱۳۸۶، ۱۶).

ادبیات اندرزی

یکی از بخش‌های ادبیات شفاهی و مکتوب ایران دوره باستان را اندرزنامه‌ها تشکیل می‌دهند. اندرز و حکم در ایران به ظاهر از دوران زردشت وجود داشته‌است زیرا خلاصه‌هایی از عبارت‌های اوستا در زبان پهلوی در دست است که باید آن‌ها را به طور مشخص پیشینه اندرزنامه‌نویسی در زبان پهلوی به شمار آورد.

در دوران باستانی ایران یعنی در آثار بازمانده به زبان اوستایی و فارسی باستان، نمونه‌ای چند از اندرز را می‌توان یافت اما «در دوران میانه، همراه با افزایش یافتن حجم نوشته‌هایی که به زبان‌های ایرانی میانه در دست است تعداد و تنوع آن‌ها بیشتر می‌شود و در دوران جدید سخت فزونی می‌گیرد. با وجود این روند افزایش، پیش نمونه‌های

بسیاری از انواع جدید و تازه این قبیل اندرزها را در دوران قدیم‌تر هم می‌توان دید. احکام اخلاقی و فقهی که منشا اندرزها و قواعد رفتاری و آیینی می‌شود در اوستا و نمونه اخلاقی رفتار و کرداری که باید برای فرمانروایان سرمشق باشد در کتیبه شاهان هخامنشی می‌آید. اندرزهای گروه اخیر را به ویژه باید نمونه‌های پیشین اندرزهای سیاسی و آیین نامه‌ها و نصیحه الملوک در دوران‌های بعدی به شمار آورد» (مزدآپور ۱۳۸۶، ۱۴).

ایرانیان به خصوص در دوره ساسانیان علاقه و دلبستگی فراوانی به سخنان و نوشته‌هایی با مضامین اخلاقی داشته‌اند و آگاهی ما از ادبیات اندرزی بیشتر از این دوران است؛ اما این بدان معنا نیست که آنچه از پیشینیان و دانایان روزگاران باستان نقل شده است همه به دوران ساسانی باز می‌گردد. زیرا چنانچه در پیش آمد اوستا خود در بر دارنده سخنان اندرزی نیز بوده است که شاید بخش اصلی آن به زبان اوستایی مفقود شده باشد اما چکیده آن‌ها به زبان پهلوی در برخی موارد ساختار اوستایی آن را نمایان می‌سازد.

اهمیتی که ادبیات اندرزی در دوران ساسانی داشته سبب گردیده است تا این گونه سخنان کوتاه و پندآمیز علاوه بر کتاب‌ها بر صخره‌های عظیم، بناهای بزرگ، حاشیه لباس‌ها و فرش‌ها، کنار سفره‌ها یا در میان ظروف به جای نقش و نگار یا در ضمن نقش و نگار آورده شود.

«نمونه اصلی آثار اندرزی ایرانی، اندرزنامه‌های پهلوی است. سنت نگارش این گونه ادبی به دوران کهن‌تر باز می‌گردد و نمونه‌های مکتوب

اندرزنامه‌های بین النهرینی را باید الگوی قدیمی آن‌ها به شمار آورد. اندرزنامه‌های پهلوی به ویژه از طریق ترجمه به ادب فارسی و نیز عربی رسید و این گونه ادبی به نوعی تداوم یافت» (مزدآپور ۱۳۸۶، ۱۷).

این همه و آنچه که در ادبیات فارسی و عربی از آن‌ها بر جای مانده نشان از آن دارد که این گونه از ادبیات از ویژگی‌های فرهنگ مشرق به شمار آورده شده است و همگان بر این باورند که مردم در مشرق و در نظام اجتماعی خود حکمت و دانایی را در قالب این گونه سخنان پندآمیز فرا می‌گرفته‌اند.

اندرزهای کهن ایرانی

بخش اصلی اندرزهای ایرانی در دوران پیش از اسلام، زردشتی و به زبان پهلوی است. پیش از آن در دوران باستانی، اوستا اخلاق مشخصی را که شناخته و موصوف است به همراهی اصول و احکام فقهی که منشا شایست و ناشایست‌های آیینی است بیان می‌کند. از نوشته‌های شاهان هخامنشی تاییدی بر اصول اخلاقی اوستایی به دست می‌آید و گفتارهایی از کتیبه‌های باستانی را می‌شود در رده اندرزها به شمار آورد. در دوران میانه، جز نوشته‌های زردشتی در آثار پیروان ادیان دیگر هم اندرزهایی در دست است که به آن‌ها نیز پرداخته خواهد شد:

اندرزهای دوره باستان

«از زبان مادی که زبان قوم ماد یکی از اقوام آریایی است اثر مکتوبی برجای نمانده است اما از اشاراتی که در نوشته‌های مورخان یونانی نظیر هرودوت